

حادثه‌ها

دستگیری قاچاقچی بزرگ در حاشیه تهران

● فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران از عملیات ویژه برای دستگیری یک قاچاقچی هنگام مبادله ۱۰۹ کیلوگرم مواد مخدر در حاشیه پایتخت خبر داد. سردار محسن خانچرلی اظهار کرد: مأموران پلیس به‌دنبال یک سری اقدامات اطلاعاتی، در جریان مبادله محموله بزرگ مواد مخدر توسط یکی از توزیع‌کنندگان در غرب استان تهران قرار گرفتند. فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران افزود: در ادامه مشخص شد این مبادله قرار است توسط سرنشینان یک پژو پارس در جاده شهریار انجام شود. مأموران با تحت‌نظر قراردادن نقاط خاصی از جاده کرج به شهریار، موفق شدند خودرو موردنظر را درحالی‌که متهم اصلی قصد مبادله محموله را داشت، شناسایی کنند. وی ادامه داد: مأموران موفق شدند هر دو متهم را دستگیر کنند. خانچرلی در ادامه خاطر‌نشان کرد: همچنین مأموران پلیس موفق شدند مقدار ۱۰۹ کیلوگرم تریاک را که در صندوق عقب خودرو جازاری شده بود، کشف کنند.

انهدام شبکه توزیع چک‌پول جعلی

● شبکه توزیع چک‌پول‌های جعلی متلاشی شد. فرمانده انتظامی تکاب گفت: شناسایی اعضای این شبکه زمانی در دستور کار پلیس قرار گرفت که تعدادی از چک‌پول‌های جعلی توزیع و مشاهده شد. سرهنگ رضا ظهیریان افزود: با پیگیری موضوع، یکی از اعضای این شبکه حین پخش چک‌پول‌های جعلی دستگیر شد. وی ادامه داد: در بازرسی از این فرد مبلغ ۱۱میلیون و ۵۰۰ هزار ریال چک‌پول جعلی کشف شد. فرمانده انتظامی تکاب بیان کرد: با اعتراضات متهم یکی دیگر از اعضای باند که دارای سوابق کیفری و کلاهبرداری در شهرهای مختلف کشور نیز بود، دستگیر شد. وی گفت: در بازرسی از منزل این فرد مبلغ ۴۲میلیون و ۵۰۰ هزار ریال چک‌پول جعلی و مقداری مواد مخدر که در نقاط مختلف منزل مسکونی مخفی شده بود، کشف شد. ظهیریان اضافه کرد: اعضای این شبکه چک‌پول‌ها را که در مبالغ ۵۰۰ هزارریال و یک میلیون ریالی بود، از یکی از شهرهای دیگر تهیه و اقدام به توزیع آن می‌کردند. وی بیان کرد: متهمان بعد چک‌پول‌های تقلبی را بین افراد کم‌سواد با بی سواد توزیع می کردند.

حمله به مسافران مترو

● یک دست‌فروش که با تعدادی از مسافران مترو درگیر شده بود، با چاقو به‌سوی آنها حمله کرد. به گزارش تسنیم، صبح دیروز مسافران خط پنج مترو در ایستگاه صادقیه شاهد درگیری یکی از دست‌فروشان با تعدادی از مسافرانی بودند که کنار سکو در انتظار ورود قطار به ایستگاه بودند. با بالاگرفتن مشاجره لفظی بین مسافران و این دست‌فروش، وی چاقویی از جیب خود دراورد و به سمت مسافران حمله کرد که دراین‌میان یکی از مسافران از ناحیه بازو دچار جراحات شد. هم‌زمان با حرکت قطار به سمت کرج، تلاش این دست‌فروش برای همراه‌کردن سایر دست‌فروشان حاضر در ایستگاه صادقیه برای ادامه رفتار خود بی نتیجه ماند و این فرد سرانجام با مداخله مأموران نیروی انتظامی بازداشت شد.

سرقت از ۷۰ خودرو

● جانشین فرمانده انتظامی استان «هرمزگان» از دستگیری سارق حرفه‌ای داخل خودرو با اعتراف به ۷۰ فقره سرقت خبر داد. سرهنگ «میرشمسی» در تشریح این خبر گفت: در پی وقوع سرقت‌های متعدد داخل خودرو، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. وی افزود: مأموران با انجام کار اطلاعاتی و گشت‌زنی‌های محسوس و نامحسوس در نقاط وقوع جرم، متهم ۴۲ساله را شناسایی و وی را دستگیر کردند. سرهنگ «میرشمسی» اذعان کرد: متهم تاکنون به ۷۰ فقره سرقت داخل خودرو اعتراف کرده است که تحقیقات پلیس در این زمینه برای شناسایی شاکیان و سایر سرقت‌های احتمالی ادامه دارد. این مقام انتظامی تصریح کرد: پس از هماهنگی قضائی در بازرسی از مخفیگاه این متهم، انواع لوازم سرقتی از قبیل لپت‌اپ، آئپلی فایر، دوربین عکاسی، ساعت مچی، فلش مموری، سیم‌کارت، کارت عابریانک، کارت ماشین، گوشی تلفن‌همراه، لاستیک و رینگ خودرو و... کشف شد.

پایان جولان شبانه سارق حرفه‌ای

● سارقی که شب‌هنگام و در حضور صاحبخانه اقدام به سرقت از خانه‌ها می‌کرد، دستگیر شد. سرهنگ «علی پاکدل»، فرمانده انتظامی شهرستان شیروان در استان خراسان‌شمالی، گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت منزل، مأموران آگاهی دستگیری سارق را در دستور کار خود قرار دادند. وی گفت: کارآگاهان با به‌کارگیری شگردهای خاص پلیسی و استفاده از سرخن‌های موجود، موفق به دستگیری مالخ‌ر اموال مسروقه و درنهایت شناسایی و دستگیری سارق شدند. فرمانده انتظامی شهرستان شیروان بیان کرد: سارق در بازجویی‌ها به پنج فقره سرقت اعتراف و اذعان کرد در تاریکی شب در زمان خواب صاحبخانه‌ها، از طریق پنجره وارد خانه شده و با خالی‌کردن محتوای جیب لباس‌های آویزان و برداشتن مدارک، وجه نقد و اشیای باارزش، سریع متواری می‌شد.

شرق، شاهد حلاج‌نیشابوری؛ سیامک جوانی ۲۷ ساله است که به اتهام قتل در بازداشت به سر می‌برد. او دو سال قبل در دعوا بر سر جای پارک خودرو مرتکب قتل شد و فرار کرداما حدود دو هفته پیش خودش را تسلیم پلیس کرد. سیامک در گفت‌وگو با خبرنگار مسا درباره قتل و زندگی‌اش توضیحاتی داده است:

چرا در بازداشت هستی؟

در دعوا مرتکب قتل عمد شدم، اما نمی‌خواستم او را بکشم. اتفاقی باعث مرگ آن پسر شدم.

ماجرای قتل چطور اتفاق افتاد؟

یادم نیست؛ ماجرای قتل مربوط به دوسال پیش است.

در این مدت کجا بودی؟

فراری بودم. به همدان و شمال رفته بودم.

هر چه را یادت است تعریف کن.

ساعت ۱۲،۱۱شب به رستوران دوستم در فرزند رفته بودم اما سر جای پارک با کارگر رستوران دیگری دعوایم شد و بعد هم او را با چاقو زدم.

چطور شد او را با چاقو زدی؟

من وقتی به رستوران دوستم رفتم کارگر رستوران دیگری که جلوی ماشین‌ها را می‌گرفت و مشتری‌ها را به آن رستوران می‌برد جلوی مرا گرفت. بوق زدم و خلاصه دعوایمان شد. در نهایت با پادرمیانی دوستم که رستوران داشت، ماجرا تمام شد. بعد من به رستوران دوستم رفتم. نشسته و مشغول خوردن چای و کشیدن قلیان بودم که برادرم زنک زد و گفت بیا خانه. در راه در اتوبان یادگار یک ماشین از فرعی بیرون آمد و به ماشین من زد و کل‌گیر و در عقب ماشین را غر کرد. چون راننده آن خودرو مقصر بود منتظر افسر نشدیم. بعد من که هنوز عصبانی بودم به فرزند برگشتم و آن پسر را که سر جای پارک با او دعوا کرده بودم با چاقو زدم.

چند ضربه چاقو و به کدام قسمت بدن مقتول زدی؟

فکر کنم ۱۰ یا ۱۲ ضربه به همه جای او زدم، به پا، شکم و سینه‌اش.

چرا این کار را کردی؟

مشروب خورده و عصبانی بودم. رفتم حالش را بگیرم. می‌خواستم یک سیلی در گوشش بزنم و گوشمالی به او بدهم، اصلا قصد کشتن او را نداشتم.

پس چرا با خودت چاقو بردی؟

آنها زیاد بودند، گفتم اگر دعوا خیلی جدی شد از چاقو استفاده کنم.

آیا همیشه چاقو همراهت بود؟

نه، چاقو را چند روز پیش دست کارگر رستوران دوستم دیدم و از او گرفتم که به کسی صدمه نزنم. انداختم توی ماشین تا اینکه آن شب برداشتم و آدم کشتم.

در این دو سال چرا فراری بودی؟

از ترس.
چرا همیشه شدی؟
خودم را معرفی کردم. دستگیر نشدم.

چرا تو که دو سال فراری بودی چرا خودت را معرفی کردی؟

حوادث

گفت‌وگو با جوانی که به‌خاطر جای پارک آدم کشت

رضایت گرفتم، تسلیم شدم



قبل از اینکه خودم را معرفی کنم از اولیای دم رضایت گرفتم.

اگر رضایت نمی‌گرفتی باز هم خودت را معرفی نمی‌کردی؟

نمی‌دانم، حالا که رضایت گرفتم.

خودروات چه بود؟

هرروز یک ماشین زرد پالم بود، آن‌روز «هیوندا آوانته» داشتم.

مگر شغل‌ت چه بود که چنین ماشینی برای خودت داشتی؟

شغلم خریدوفروش ماشین بود. نمایشگاه داشتم.

آدرس خانواده مقتول را برای گرفتن رضایت از کجا پیدا کردی؟

از روی شکایتی که کرده بودند.

وقتی خودت فراری بودی، چه کسی را برای رضایت فرستادی و چطور موفق به این کار شدی؟

دوستانم رضایت گرفتند. ۱۶۰ میلیون به خانواده مقتول پول دادند.

اولیای دم چند نفر بودند؟

پدر و مادر مقتول فوت شده و اولیای دم خواهران و برادران کوچک‌تر از خودش بودند.

چقدر درس خوانده‌ای؟ از وضع خانواده‌ات بگو؟

دیپلم دارم. دو برادر کوچک‌تر دارم، یکی ۱۳ساله و یکی ۱۸ساله، پدر و مادرم هم وقتی بچه بودم از هم جدا شدند. پدرم دوباره ازدواج کرده است و دو برادرم با مادرم زندگی می‌کنند.

چرا پدر و مادرت دنبال کار تو نرفتند؟

مادرم که نمی‌توانست دنبال کارم برود و پدرم هم نفرت. پدرم شش بچه دارد چطور می‌توانست دنبال کار من برود؟

آیا از پدرت راضی هستی؟

بالاخره پدرم است. بگویم بد است؟

تو با پدرت زندگی می‌کردی یا با مادرت؟

من با مادرم زندگی می‌کردم ولی از ۲۱سالگی مستقل شده بودم و خودم جدا زندگی می‌کردم.

چطور می‌خواهی لطف دوستان‌ت را جبران کنی؟

خانم‌ها را می‌فروشم و پول دوستانم را می‌پردازم.

غیر از پول، چه کاری برایشان انجام می‌دهی؟

پولشان را می‌دهم و تمام. آنها کار خیر کرده‌اند.

آیا سابقه کیفری یا اعتیاد داری؟

سابقه و اعتیاد ندارم. فقط مشروب مصرف می‌کردم.

چطور فهمیدی کسی که با چاقو زده‌ای فوت شده است؟

دوستم که در فرزند رستوران دارد به من گفت. دو روز بعد از آنکه او را با چاقو زدم، در بیمارستان فوت شد.

بعد از آن بود که فرار کردی؟

تا قبل از آن در تهران بودم و بعد از آن، ابتدا به همدان و بعد از مدتی هم به شمال رفتم.

الان چه حسی داری؟

اگر می‌دانستم خودم را معرفی کنم آن‌قدر دردسر دارد، این کار را نمی‌کردم.

یعنی می‌خواستی همچنان فرار کنی؟

شاید.

آیا می‌دانی مرتکب قتل عمد شده‌ای و در صورتی که اولیای دم رضایت نمی‌دادند، قصاص در انتظارت بود؟

من مرتکب قتل عمد نشده‌ام، قتل عمد، قتلی است که با برنامه‌ریزی انجام شده باشد، اما من نمی‌خواستم او را بکشم. فقط می‌خواستم او را گوشمالی بدهم. تازه اول او ماجرا را شروع کرد و راه مرا بست و جروبحث شروع شد که آمدند ما را جدا کردند.

اصلا چرا باید یک کارگر را که برای امرار معاش از شهرستان به تهران آمده بود، گوشمالی بدهی؟

او زمینه اصلی عصبانیم را فراهم کرده بود و شاید اگر او مرا عصبانی نمی‌کرد، حواسم را جمع می‌کردم و تصادف نمی‌کردم.

آیا او چه چیزی به تو گفت که با هم درگیر شدید و چطور تو را آن‌قدر ناراحت کرد که تصمیم گرفتی دوباره به فرزند برگردی و با او دعوا کنی؟ اصلا یادم نیست. از آن ماجرا دو سال گذشته است. از طرفی، من آن شب خیلی مشروب خورده بودم.

شاهدان در تحقیقات گفته‌اند دفعه اولی که با مقتول درگیر شدی، یک خانم با تو بود اما وقتی برگشتی، آن خانم همراهت نبود.

دفعه اول هم تنها بودم. بعد از درگیری اول آمدند و ما را جدا کردند.

دفعه دوم چسا او را با چاقو زدی. او در حال استراحت بود و تو می‌توانستی با یک سیلی به قول خودت، حالش را بگیری لازم نبود این همه به او چاقو بزنی.

مشروب خورده بودم و در حال خودم نبودم.

الان چه می‌خواهی بکنی؟

منتظرم ببینم چه می‌شود و تا ده‌گاه چه تصمیمی برایم می‌گیرد.

قطعاً تو چند سالی را در زندان خواهی گذراند، بعد از آن، چه می‌خواهی بکنی؟

می‌خواهم زندگی جدیدی را شروع کنم.

از خانواده مقتول چطور می‌خواهی قدردانی کنی. آیا اصلا برای تشکر پیش آنها خواهی رفت؟

نه، فکر نکنم بخوام با آنها روبه‌رو شوم.

رخداد

بازداشت جاعلان اسکناس

● جاعلان اوراق بهادار در بیرجند دستگیر شدند. سرهنگ «حسن شجاعی‌نسب»، فرمانده انتظامی شهرستان بیرجند در خراسان‌جنوبی، با اعلام این خبر گفت: «با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر جعل اسناد و مدارک بانکی و اوراق بهادار در محلی مشخص، بلافاصله اکیب کشت به آنجا اعزام شد». وی اظهار کرد: «با حضور گشت پلیس در محل، فردی به مأموران مراجعه و بیان کرد از عابریانک مبلغ ۵۰ هزار تومان پول برداشت کرده و در حال حرکت بودم که دو جوان از من خواستند که ایران‌چک ۵۰ هزار تومانی را برایشان خرد کنم. این‌چک را با پنج قطعه اسکناس ۱۰ هزار تومانی خرد کردم و پس از اینکه برای خرید به مغازه رفتم، متوجه شدم ایران‌چک تقلبی است. فرمانده انتظامی شهرستان بیرجند گفت: مأموران با گرفتن مشخصات متهمان، در اقدامی سریع، جاعلان اسکناس را شناسایی و از آنان سه قطعه ایران‌چک تقلبی کشف کردند. شجاعی‌نسب خاطرنشان کرد: در این رابطه سه متهم دستگیر شد.

سرقت منزل با خودروهای مدل بالا

● سارق حرفه‌ای که با دو همدست دیگرش با خودروهای مدل‌بالا اقدام به سرقت از منازل شهرستان مپید استان یزد می‌کرد، در زندان شناسایی شد و در بازجویی‌های پلیسی به شش فقره سرقت اعتراف کرد. سرهنگ «ولی‌الله حسین‌محمدی»، فرمانده انتظامی شهرستان مپید، دراین‌باره گفت: در پی سرقت و طلا و جواهرآلات از خانه‌ها، تحقیقاتی دراین‌خصوص آغاز شد تا اینکه مأموران پلیس متوجه شدند یکی از اعضای این باند به علت سرقت در شهر یزد در زندان مرکزی به‌سر می‌برد. سرهنگ محمدی ضمن اشاره به کسب مجوز قضائی، تصریح کرد: با دستور مقام قضائی، متهم در اختیار پلیس آگاهی مپید قرار گرفت و بازجویی‌های پلیسی آغاز شد. سرانجام با تلاش و درایت کارآگاهان آگاهی مپید، متهم ۲۷ساله به شش فقره سرقت منازل اعتراف کرد. سرهنگ حسین محمدی با بیان اینکه دیگر همدستان این سارق در زندان استان‌های همجوار به‌سر می‌برند، یادآور شد: اعضای این باند که هرکدام دارای دو تا ۱۰ فقره سابقه کیفری هستند، با خودروهای شیک و مدل‌بالای «سواتا»، «تویوتا کروا» و «پارس» دست به سرقت می‌زدند.

خدا ماه فیل

با پرداخت ماهیانه مبلغی اندک، به جمع حامیان تحصیلی کودکان بی سرپرست پیوندیم.

sms:500012882

www.Darolekram.com

موسسه فرهنگی دارالاکرام

۹-۸۸۵۶۱۸۳۶ (۰۲۱)